

اشاره: «روژه گارودی» یا «رجا» استاد فرانسوی دانشگاه بود که اوایل دهه ۸۰ میلادی مسلمان شد و به خاطر نوشته‌هایش و موضع‌گیری‌های سیاسی‌اش به‌عنوان یک منکر هولوکاست توجه عمومی را به خود جلب کرد. ۱۶ دسامبر ۱۹۹۸م (۲۵ آذر ۱۳۷۷)، روزۀ گارودی فیلسوف و نویسنده مسلمان فرانسوی به جرم انکار جنایت علیه بشریت در کتاب خود به نام «اسطوره‌های بنیادین سیاست اسرائیل»، در دادگاه تجدیدنظر پاریس محکوم شد. گارودی در این کتاب ثابت کرد صهیونیست‌ها با نازی‌ها در جنگ دوم جهانی همکاری داشتند و صهیونیست‌ها برای جلب نظر افکار عمومی به منظور ایجاد کسوروی در فلسطین، کوشیده‌اند با مظلوم‌نمایی خود، جنایات آلمان هیتلری علیه یهودیان را بزرگ نشان دهند. گارودی همچنین در این کتاب، رقم ۶میلیون یهودی را که گفته می‌شود توسط آلمان نازی قتل‌عام شده‌اند، بسیار اغراق‌آمیز خواند، چرا که کل جمعیت یهودیان در آن زمان، این مقدار نبوده است. با محکومیت گارودی در این دادگاه که با فشار صهیونیست‌ها بود، آزادی بیان و قلم در فرانسه که ادعا می‌کند مهد آزادی است، مخدوش شد. محکومیت روزۀ گارودی در ۲۵ آذر به خاطر انکار هولوکاست بهانه خوبی است تا به بررسی این مساله بپردازیم که افسانه، داستان و فیلم‌های زیادی درباره آن ساخته و پرداخته شده است.

■ **ادعای اولیه درباره هولوکاست**

ادعای صهیونیست‌ها درباره جنگ دوم جهانی و رفتار آلمان نازی با یهودیان آن است که یک کشتار دسته‌جمعی و نسل‌کشی نزدیک به ۱۱ میلیون نفری بویژه ۶ میلیون یهودی در پایه نژاد، مذهب و ملیت طی جنگ دوم جهانی به دست آلمان نازی و از ۱۹۴۱ تا انتهای ۱۹۴۵ در اردوگاه‌های مرگ آلمان نازی، اتفاق افتاده است. برخی زبان‌شناسان، این واژه را برگرفته از جنایت یهودیان در یمن باستان می‌دانند. بر پایه این ادعا دوسوم جمعیت یهودیان اروپا در جریان هولوکاست سوزانده و کشته شدند. این ادعا اینگونه ادامه می‌دهد که در ابتدا و در سال ۱۹۳۳ کمپ‌هایی برای شکنجه و کشتن مخالفان سیاسی از جمله کمونیست‌ها و سوسیال-دموکرات‌ها توسط نازی‌ها تشکیل شد و پس از مدتی از این کمپ‌ها به‌عنوان اردوگاه کار اجباری یهودیان استفاده می‌شد. سال ۱۹۴۲ دولت آلمان تصمیم به اجرای طرحی موسوم به «راه‌حل نهایی» گرفت که به موجب آن کمپ‌هایی برای کشتار دسته‌جمعی یهودیان تأسیس شد.

■ **جلوگیری از نژد و بررسی این ادعا**

بر مبنای همین ادعا و پروپاگاندای رسانه‌های غرب، اول نوامبر سال ۲۰۰۵، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه‌ای که به پیشنهاد آمریکا، استرالیا، اسرائیل، کانادا و روسیه و حمایت ۱۰۴ کشور تصویب شد، «انکار هولوکاست را قابل پذیرش ندانست» و ۲۷ ژانویه را برای یادبود قربانیان آن فاعه، روز جهانی یادمان هولوکاست نامگذاری کرد و عملاً با این مصوبه راه نقد و بررسی این واقعه تاریخی را بست که هیچ‌کس حق انکار آن یا تشکیک در آن را نداشته باشد.

«جورج بوش» قانون «پدیده سیمیتیزم» را برای به‌اصطلاح کنترل این پدیده در جهان امضا کرد. هدف از قانون یهودستیزی دولت بوش، این است که تمام انتقادهای علیه رژیم اسرائیل را به سکوت کشانده و نگذارد ددمنشی‌ها و دروغ‌های این رژیم زیر سوال رود.

در بسیاری از کشورهای اروپایی انکار یا اغراق‌شدن خواندن هولوکاست جرم تلقی می‌شود. رژیم غاصب صهیونیستی و کشورهای آتریش، بلژیک، جمهوری چک، فرانسه، آلمان، لیتوانی، لهستان، رومانی، اسلواکی، سوئیس، کانادا، لیختن اشتاین، مجارستان، پرتغال، هلند و لوکزامبورگ دارای قوانینی علیه انکار کنندگان هولوکاست هستند. یکی از افرادی که سال ۲۰۰۶ به جرم انکار هولوکاست به ۳ ماه زندان محکوم شد، «دیوید ارونینگ» مورخ بریتانیایی بود. «روژه گارودی» محقق فرانسوی به علت انکار هولوکاست پیش‌تر در سال ۱۹۹۸م زندانی شد. «یورگن گراف» مورخ و پژوهشگر سوئیسی نیز به خاطر سخنانش در انکار هولوکاست به زندان محکوم شد. «روبر فوروسون» در سال ۲۰۰۶ به دلیل مصاحبه‌ای که سال ۲۰۰۵ با شبکه ۱ سحر انجام داد، به جرم انکار هولوکاست، به ۳ ماه زندان و پرداخت ۷۵۰ یورو محکوم شد.

■ **انگیزه‌های طرح هولوکاست**

با ۲ عامل عمده مواجهیم که از این قضیه به صورت‌های مختلف بهره‌مند شده‌اند؛ یکی صهیونیسم که ذی‌نفع عمده است و دیگری خود دولت‌های غربی.

الف- انگیزه‌های صهیونیسم

از دیدگاه محققانی که درباره چگونگی و انگیزه‌های طرح افسانه هولوکاست به تحقیق پرداخته‌اند، چند دلیل عمده در این زمینه وجود دارد.

۱- **انگیزه‌های سیاسی**

از دیدگاه صهیونیست‌ها، برپایی دولت اسرائیل، نتیجه منطقی ظلم به یهودیان در هولوکاست است. تعجب‌آور این است که آنها می‌خواهند به واسطه وقوع «شوینتس» و کوره‌های آدم‌سوزی خیالی، خود را مستحق برپایی یک دولت بنمایانند؛ آن هم در گوشه دیگری از جهان(! و با غصب سرزمین ملتی که هیچ‌گونه ربطی به جنایات واهی یا ساخته و پرداخته آنان ندارد. چنانکه «آبراهام هشل»



به بهانه سالروز محکومیت روزۀ گارودی به خاطر نفی علمی هولوکاست

افسانه‌ای برای تجاوز

می‌گوید: «دولت اسرائیل، پاسخ خدا به آشویتس است» و «موشه زیمرن»، رئیس گروه مطالعات آلمانی در دانشگاه عبری اورشلیم تأکید می‌کند: «هالوکاست [هولوکاست] توجیه اصلی تأسیس دولت اسرائیل است.»

■ **چرا در فلسطین؟**

سازمان صهیونیسم، در شرایط جنگ جهانی، اولین مرحله از پروژه تسلط بر جهان را کلید زد. این سازمان، چاره را در این دید که از هرج و مرج به‌وجود آمده در جنگ جهانی استفاده کند و با «مظلوم‌نمایی» هر چه تمام‌تر، چنین جلوه دهد که جهان مسیحیت به آنان حمله کرده و تعداد زیادی از آنان را کشته است، پس آنان ناچارند به جای دیگری بروند و کجا بهتر از خاورمیانه و آن هم فلسطین سیاسی که نه براساس اجبار، بلکه کاملاً مورد خواست و مطابق اهداف صهیونیسم بود. «هانا آرت» معتقد است: «سیاست ناسیونال-سوسیالیست‌ها درباره یهودیان، سیاستی بود که کاملاً طرفدار صهیونیسم بود». «هانینتس هوهنه»، روزنامه‌نگار آلمانی نیز در تایید این نظر می‌گوید: «صهیونیست‌ها، استقرار فاشیسم در آلمان را نه به مثابه یک مصیبت ملی، بلکه به‌عنوان فرصتی تاریخی و بی‌مانند در وصول به هدف‌های صهیونیستی خویش می‌دیدند.»

علاوه بر تأسیس اسرائیل و تلاش برای تحقق اهداف صهیونیسم،بین‌الملل، صهیونیست‌ها ۲هدف عمده سیاسی دیگر را از مظلوم‌نمایی یهود و تقدس بخشیدن به هولوکاست، تقییم می‌کنند:

- پیشگیری از خیزش عمومی جهانیان علیه مظلوم‌نمایی و برانگیختن احساسات نژاد یهود و ایجاد اتحاد سیاسی بین آنان.

۲- **انگیزه‌های اقتصادی**

صهیونیست‌ها با ماجرای هولوکاست و طرح دعای حقوقی علیه کشورهای آلمان، اتریش، لهستان، سوئیس و… تاکنون میلیاردها دلار به جیب زده‌اند. به‌عنوان نمونه، آلمان ملزم شد از سال ۱۹۵۲ تا سال ۲۰۰۲ به روش‌های مختلف، به بازماندگان به اصطلاح قتل‌عام یهود غرامت بپردازد. براساس توافق‌های حاصله، «دولت این کشور، زیر فشارهای باج‌خواهانه صهیونیست‌ها، مجبور شد

موافقت خود را با اعطای سالانه ۵۰ میلیون مارک تا سال ۲۰۰۲م به رژیم صهیونیستی اعلام کند.»

گلدنسن (مجری اصلی طرح) می‌گوید: «هدف از این افسانه‌سازی‌ها و دروغ‌پردازی‌ها، صرفاً گرفتن غرامت برای قربانیان جنگ نبود بلکه هدف از آن، تهیه بودجه لازم جهت پایه‌ریزی حکومتی بود که کوچک‌ترین حقی در این رابطه نداشت، زیرا زمانی که این جنایات انجام شد، چنین دولتی وجود خارجی نداشت اما از این مساله، برای فراهم آوردن تسلیحات لازم برای جنایات جدید بهره گرفت.»

۳- **انگیزه‌های روانی**

سواستفاده از گرایش‌های فطری بشر به حمایت از مظلوم، رساترین تعبیری است که می‌توان آن را محوره فعالیت‌های جنبش صهیونیسم طی قرن بیستم دانست، مفهومی که در ایجاد دولت نامشروع صهیونیستی در فلسطین و تحکیم پایه‌های آن،

بسیار موثر بوده و یهودیان با تمسک به این شیوه تاکنون توانسته‌اند بر تمام جنایات‌ها،قانون‌شکنی‌ها و فرزون خواهی‌های خود در سراسر جهان سرپوش گذارند. «پل فرام»، مدیر انجمن کانادایی آزادی بیان می‌گوید: «من با رئیس جمهور لوئت[ایران] معتقدم اشتباه است که فلسطینیان توان‌گناه اروپایی‌ها را بپردازند و کشور خود را از دست بدهند. من همچنین بر این باورم که داستان



غرب از درون منطقه.
■ **نقد دلایل هولوکاست**

دروغین هولوکاست، برای اینکه به اروپاییان و ساکنان آمریکای شمالی این حس داده شود که گناهکارند، ایجاد شده است. افسانه هولوکاست به یهودیان اجازه می‌دهد میلیاردها دلار از آلمان و دیگر کشورها غرامت بگیرند. هولوکاست همچنین اذنان مردم آمریکای شمالی و اروپا را برای پذیرش ددمنشی‌ها و خشونت‌های اسرائیل آماده می‌کند.» مقام معظم رهبری در تحلیلی جامع و شیوا از نحوه شگرذهای تبلیغاتی صهیونیست‌ها و اهدافی که آنان از مظلوم‌نمایی یهود و طرح کوره‌های آدم‌سوزی دنبال می‌کنند، می‌فرماید: «صهیونیست‌ها از اول کار، یک شگرد تبلیغی را انتخاب کردند که عبارت است از مظلوم‌نمایی، برای مظلوم‌نمایی، داستان‌ها و افسانه‌های فراوانی جعل شد، خبرهای ساخته شد و تلاش‌های بی‌وقفهای انجام گرفت. اینها مساله نگرانی روانی یهودیان را مطرح کردند و گفتند چون یهودی‌ها در طول قرن‌های متعادی زیر فشار بودند، از لحاظ روانی دچار نگرانی‌اند و به امنیت روانی احتیاج دارند. صهیونیست‌ها در مذاکرات با سران کشورهای غربی و بعدها در گفتوگوهای خود با کشورهای اسلامی و عربی، مساله امنیت روانی را مطرح کردند و گفتند ما به امنیت روانی احتیاج داریم و باید امنیت روانی ما تأمین شود. هر اقدامی بخواهد انجام بگیرد، اگر به سودشان نباشد، به بهانه امنیت روانی می‌توانند آن را خنثی کنند. شما وقتی سرزمین را از دست می‌دهید، می‌دانید چه چیزی را از دست داده‌اید اما وقتی می‌خواهید طمس‌کار اسرائیل را درباره امنیت روانی برآورده کنید، نمی‌دانید تا کجا باید تسلیم شوید و تا کجا باید امتیاز بدهید. این امتیازدهی، پایانی ندارد، مرتب باید امتیاز داد. تجربه اروپا در این مورد، عبرت‌آموز است. دولت آلمان، ۱۵۰ میلیارد مارک به‌عنوان خسارت به یهودی‌ها داد اما خسارت یهودیان از آلمان، هنوز تمام نشده است، باز هم خسارت طلبکارند و باید به آنها داده شود! آنچه یهودی‌ها با آلمان کردند، کم و بیش با برخی کشورهای اروپایی دیگر مثل اتریش، سوئیس، فرانسه، حتی تا چند سال قبل با ایتانک نیز انجام دادند، همه باید خسارت بدهند، این خسارت تمام‌شدنی نیست! همه سیاستمداران، خبرنگاران، روشنفکران، کارگزاران و نجبگان غرب باید در مقابل



بنای یادبود کوره آدم‌سوزی سر تعظیم فرود بیاورند؛

یعنی همه، داستانی را که اصل صحت آن معلوم نیست، مورد تأکید قرار دهند و خود را بدهکار آن داستان قلمداد کنند. اینها روش‌هایی است که در تبلیغ دارند و همه معطوف به مظلوم‌نمایی است.»

ب- **انگیزه غرب در طرح و تبلیغ هولوکاست**
در یک جمع‌بندی، اهداف اروپا و آمریکا از این اقدام، عبارت‌اند از:

۱- تخلیه حداکسری جماعت یهود از درون سرزمین‌های یهودی به یک مکان مشخص
۲- تمرکزدهی به یهود در محل اتصال ۳ قاره و استقرار اسرائیل در قلب خاورمیانه، برای ایجاد یک پایگاه دیپلماتی بر منابع غرب در خاورمیانه
۳- ایجاد منطقه امنیتی غرب در قلب مناطق اسلامی، برای نظارت و دیده‌بانی بر منافع امنیتی

۲- **کوره‌های آدم‌سوزی**

از دیگر ادعاهای صهیونیست‌ها این است که نازی‌ها، یهودیان را در کوره‌های آدم‌سوزی می‌سوزاندند. این ادعا امروز به‌عنوان یک دروغ تاریخی شناخته شده است.

«وینس مارشالکو» درباره اتاق‌های گاز و کوره‌های آدم‌سوزی اسناد جالبی ارائه می‌کند. یکی از این اسناد، مقاله‌ای از «شم»، روزنامه زیرزمینی ناسیونالیست‌های یهودی فرانسه است که ۸ ژوئیه ۱۹۴۴ درباره وضعیت ۹ اردوگاه از اردوگاه‌های نگهداری و توقیف یهودیان در آلمان توضیح می‌دهد. در این گزارش، حتی یک کلمه هم از قلع و قمع یهودیان یا بدرفترتی با آنان نیست. در این گزارش همچنین هیچ حرفی از اتاق‌های گاز، اردوگاه‌های مرگ یا بچه‌کشی به میان نمی‌آید. درست در نقطه مقابل آن، گزارش «شم» می‌گوید «بچه‌های ۲ تا ۵ ساله را به کودکان‌های مختلف برلین می‌فرستادند تا ز کم‌کهای ویژه‌ای برخوردار شوند.» مارشالکو توضیح می‌دهد چگونه زیر نظر یهودیان در پایان سال ۱۹۴۵ اردوگاهی چون «داخو» مورد تخریب و بازسازی هدفدار قرار گرفت.

اومی‌نویسد: «قبل از هر چیز، منظره زیبا، سرسبز و بوستان‌گونه اردوگاه باید به کلی تخریب می‌شد؛ چون برای سینماورهای آمریکایی، پذیرش این امر به یهودیان را در دل باغ و بوستان و بستری از گل و گیاه شکنجه می‌کردند، کار مشکلی بود بویژه وقتی آنها را به سینماها کشانده بودند تا صحنه‌های مخوف و ترسناک (اردوگاه‌ها) را نشان‌شان دهند. از این رو، به کارگران جدید اردوگاه دستور دادند مثلاً یک گودال خون که لوله‌ای از آن به خارج می‌رفت، بسازند تا طوری به نظر آید که از این گودال، خون یهودیان از طریق آن لوله، تخلیه می‌شده است. محوطه استحمام زندانی‌ها، اتاق رخت‌کنی آنها و محوطه‌های ورودی، تماماً باید بازسازی می‌شدند تا به صورتی درآیند که به کوره آدم‌سوزی‌ای که یهودیان ادعا می‌کردند، شبیه باشند.»

۳- **شش میلیون کشته یهودی**

براساس تحقیقات و مستندات تاریخی، چنین چیزی نیز اصلاً واقعیت نداشته است. مارشالکو بر مبنای شواهد متعدد آماری نشان می‌دهد تمام یهودیان اروپا در سال ۱۹۳۳م، ۵۶۰۰۰۰۰ نفر بوده‌اند و این رقم، مورد تأکید یهودیان آمریکا نیز هست. اگر از این تعداد، یک میلیون یهودی بیرون خط مولوتف-روبین تروپ، کسر شود و اگر یهودیان ساکن در کشورهای بی‌طرف و متفقین را هم کسر کنیم، رقم ۲۵۰۰۰۰۰ باقی می‌ماند، در حالی که بنا به نظر کارشناسان، جمعیت یهودیان ساکن در قلمرو هیتلر و همپلر، به نیم میلیون هم نمی‌رسید. مارشالکو می‌افزاید: «در بالاترین سطح ممکن، تعداد یهودیان جان‌باخته را نمی‌توان بیش از ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار نفر دانست اما در مقایسه با این، ملل مسیحی تلفات به مراتب بیشتری را متحمل شدند. اجازه دهید ملت کوچک مجارستان را در نظر آوریم که کل جمعیت آن شاید از تعداد یهودیان امروز بیشتر نباشد. تعداد قربانیان جنگ مجارستان، چه آنها یکی یا دو بیماران‌های هوایی مرده بودند یا اینکه در اردوگاه‌های مرگ سیبری از گرسنگی جان باخته‌اند یا یخ زده باشند، حداقل به رقم یک‌میلیون نفر می‌رسید.»

■ **جمع‌بندی**

۱- نحوه برخورد غرب با هولوکاست و جلوگیری از تحقیقات علمی و مستند دانشمندان، نه تنها با ادعای آزادی عقیده و بیان منافات دارد، بلکه خود حاکی از ساختگی و غیرواقعی بودن این قضیه است.

۲- مدعیان حقوق بشر با بزرگ‌نمایی بخشی از جنایات جنگ دوم جهانی- در مقابل سایر جنایاتی که در این جنگ اتفاق افتاده مانند بمباران اتمی ژاپن توسط آمریکا و همچنین سایر نسل‌کشی‌های جهان- سیاسی بودن جنبنداری خود از حقوق بشر را به اثبات رسانده‌اند.

۳- براساس تحقیقات علمی و مستندات تاریخی انجام‌شده توسط محققان و متخصصان، ماجرای هولوکاست و کوره‌های آدم‌سوزی، اتاق‌های گاز بی‌وقفه از متخصصان و تاریخدانان پرشش کرده‌ام. سال‌ها، اما به‌پهوه به دنبال قتل یک بازمانده از بازماندگان جنگ بودم که به جرم خود اتاق‌های گاز را دیده باشد؛ به حتی یک مدرک، فقط یک مدرک راضی بودم اما همین یک مدرک را هم نیافتم. در مقابل، آنچه یافتم تعداد بی‌شماری مدارک مجعول بود. پس از آن، با سکوت، مزاحمت، دشمنی، توهین و بالاخره ضرب و جرح

و محاکمه مواجه شدم.»

پروفیسور «روژه گارودی»، محقق مسلمان فرانسوی نیز با تحقیقات خود در این زمینه دریافت از یک‌سو گاز HCN قیمت و هزینه زیادی داشته، در نتیجه گران‌ترین شیوه‌اعدام محسوب می‌شود. از سوی دیگر، مکان‌هایی که یهودیان از آن به‌عنوان اتاق گاز نام می‌برند، اصلاً قابلیت چنین کاری را ندارند؛ زیرا این گاز باید در یک پوششی از فولاد

اکسیدنشده باشد و دره‌ها نیز باید مجهز به لوله‌هایی از پنبه نسوز کلوچویی مخصوص یا تفلون باشد. متخصصان پزشکی قانونی پس از بازدید از این مکان‌ها اظهار داشتند استفاده این تأسیسات از گاز توسع‌طلبانه و جنایات ترسناک است و در این مکان‌ها هیچ تجهیزاتی برای مهار این گاز در نظر گرفته نشده است.

منبع: پرسمان، شماره ۴۱

پاسخ میرزا کوچ‌خان به دعوت تیمورتاش

عبدالحسین تیمورتاش، سیاستمداری که از او به‌عنوان وزیر دربار قدرتمند رضا شاه یاد می‌شود (۱۳۰۴ تا ۱۳۱۱)، پیش از عهده‌داری این سمت مدتی حاکم گیلان بود. او در این سمت تلاش کرد نهضت میرزا کوچ‌خان جنگلی را نابود کند. یکی از اقدامات نخستین تیمورتاش اعلام حکومت نظامی در گیلان و سپس ارسال نامه‌ای خدعه‌آمیز برای میرزا کوچ‌خان جنگلی بود. وی در این نامه که با هدف به دام انداختن میرزا نوشت، قسم یاد کرد اگر پناهنده شود با مشاغل عالی بقیه عمر خود را طی خواهد کرد و صدمه‌ای نخواهد دید اما میرزا در پاسخ، درخواست وی را باحنی تحقیرآمیز رد کرد. نظر به زیبایی پاسخ میرزا توجه خوانندگان گرمی را به نامه وهن‌آلود تیمورتاش و جواب کوبنده میرزا کوچ‌خان جنگلی جلب می‌کنیم. نامه تیمورتاش از این قرار است:

«جناب میرزا کوچ‌خان! از آنجا که دولت علیه ایران شخص مرا که رئیس آترپاد تهران و چند سال است در ایران به درستی و راستی خدمتگزار هستم جهت قلع و قمع ریشه فساد جنگل تعیین فرموده و این مساله قطعی است و کساتی که با شما همراهی می‌کنند اطلاع کامل داریم به جزای خود خواهند رسید به جنابعالی که سرر دسته این جماعت هستید اعلان می‌شود به عون‌الله ریشه و مبدأ فساد را از صفحه گیلان کنده و منمحل خواهم نمود، لیکن محض اینکه شما وطن‌دوست و ایران‌خواه و عاقل و نیک‌نفس معرفی شده‌اید لازم است به شما خاطر نشان شود هرگاه جنابعالی را در محکمه عدل الهی حاضر نمایند و سوال و جواب شود که آنچه خسارات و تلفات به اهالی بیچاره از بدو ای ختم وارد آمده مستولان الهی کیست گمان می‌کنم انصاف خواهید داد و شرمنده خواهید شد. نیز به من هم اینطور دستگیر شده است که با آن صفات عالی شما برای شخص خود راضی به اذیت مسلمانان بیچاره نخواهید بود لذا با کمال اطمینان و قول شف نظامی و خدای یکتا قسم می‌دهم که آنچه به ارادی فرزای ایران و به من پناهنده شوی و حرف را بپذیری، قول می‌دهم که وسایلی فراهم داریم که بقیه عمر خود را با کمال احترام و با مشاغل عالی به آسودگی زندگانی نمایی و این قول نظامی که در این ورقه به شما داده می‌شود به وحدانیت خدا، حق است. رستم کیکا کچینکوف، رئیس آترپاد طهران». اما پاسخ میرزا چنین بود:«هوالوق، به تاریخ لیله ۲۲ ذی‌الحجه ۱۳۱۲، جناب رئیس آترپاد تهران تمسرت کیکا کچینکوف!دیر آمدی ای نگار سرمست! از صدر تا ذیل مرقومه ۲۱ شهر جاری را با دقت دیدم. بنده به کلمات عقل فریانه اعضا و اشخاص این دولت که منفور ملتند فریفته نخواهم شد. از این پیش‌تر نمایندگان دولت انگلیس با وعده‌هایی که به سایرین دادند و یکبارگی قباله مالکیت ایران را گرفتند، تکلیف کردند، تسلیم نشدم، مرا تهدید و تطمیع از وصول به مقصود و معشوقم باز نخواهد داشت. شما می‌فرمایید نظام نظر به حق یا باطل ندارد و مدعیان دولت را هر که و هر چه هست باید قلع و قمع کرده تا داری امنیت و مقام گردید. من عرض می‌کنم تاریخ عالم به ما اجازه می‌دهد هر دولتی که نتوانست مملکت را از سلطه اقتدار دشمنان خارجی نجات دهد وظیفه ملت است که برای خلاصی وطنش قیام کند اما کلبینه حاضر می‌گوید من محض استفاده شخصی باید مملکت را در بازار لندن به من بخش بفروشم. در قانون اسلام مدون است که کفار وقتی به ممالک اسلامی مسلط شوند مسلمانان باید به مداخله برخیزند ولی دولت انگلیس فریاد می‌کشد که من اسلام و انصاف نمی‌شناسم باید دولت‌های ضعیف را اسیر از و کشته مقاصد مشوّم خود سازیم. گو آنکه کرورها نفوس و نوامیس و ضام عالی‌جنود در مقابل جوابی را که «هوسی» به فرعون و محمد(ص) به ابوجهل و سایر متفقین و قائلین آزادی و روحانی در محکمه عدل الهی می‌دهند من هم می‌دهم. بنده و همراهانم، شما و پیروانت در این خط مخالف می‌رویم؛ باید دید عقلائی عالم به جسد کشته ما می‌خندند و یا به فاتحیت شما تحسین می‌کنند؟ فرضا به تمام مراتب فوق احتمال کذب رود یعنی بنده حقیقتا یک فرد جاهلطلب‌نفسانی تصور شده‌به مواعید جنابعالی متمایل گردم آن وقت عرض می‌کنم کساتی که تسلیم گردیده و ورقه مههور دولت را در دست داشتماند همه را به دار آویخته، خیس کرده و یا تبعید نمودید بنده را با چه رو بعد از این همه عملیات باز تکلیف به تسلیم شدن می‌نمایید؟! در خاتمه که درخواست ملاقات کرده بودید عرض می‌کنم اشخاصی که دارای شرافت قولی نیستند ملاقات کردن با ایشان از قاعده عقل به دور و بیرون است فقط بین ما و شما را باید خداوند حکم فرماید. کوچ‌خانگی

تاریخ تحولات سیاسی، دکتر سید جمال‌الدین مدنی، ج ۲، صص ۲۵۷ و ۲۵۸